

## کارکردهای اتحاد و انسجام اسلامی در ایجاد تمدن نوین اسلامی

محمد دهقانی<sup>۱</sup>

اولین همایش بین المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

### چکیده

تمدن سازی نوین اسلامی یکی از کارکردهای مهم اسلام در راستای حاکمیت اسلام بر جهان است. پس از رحلت پیامبر (ص)، انحراف بزرگی در اندیشه و عمل مسلمانان پدیدار شد و بسیاری از افکار جاهلی دوباره احیا و جامعه متحد و یک پارچه مسلمانان دچار تفرقه و تمدن نوپای اسلام به وضعیت نابسامانی دچار شد.

در مقاله حاضر با توجه به پیشینه اختلافات مسلمانان و نتایج زیان بار آن، به این پرسش پرداخته شده که اتحاد و انسجام اسلامی چه تأثیری در تحقق تمدن نوین اسلامی دارد. در این راستا با الگوگیری از بیانیه گام دوم مقام معظم رهبری به عنوان فیلسوف و نظریه پرداز تمدن نوین اسلامی، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، به کارکردهای مختلف اتحاد و انسجام اسلامی در جهت تحقق تمدن نوین اسلامی پرداخته شده است. در این خصوص می توان گفت اتحاد و انسجام اسلامی ظرفیت های فراوانی را در جهت تشکیل امت واحد، گسترش فضای گفتمانی، پرهیز از تفرقه و واگرایی و کاهش تعصب و افراطی گری به عنوان عوامل زمینه ساز تمدن نوین اسلامی ایجاد خواهد کرد.

### کلیدواژگان

اسلام، تمدن نوین اسلامی، اتحاد، انسجام، مقام معظم رهبری.

## مقدمه

با نگاهی گذرا در سیر تاریخی اسلام، کارکرد وحدت و انسجام در پیشرفت جامعه به خوبی روشن می شود و از طرفی وجود تفرقه و اختلاف که باعث صدمه های زیادی به جهان اسلام شده است نیز نمایان می شود. البته آنچه در اینجا مد نظر است اتحاد و انسجام بر مبنای حق و حقیقت است که ظرفیت لازم را برای تمدن سازی نوین اسلامی فراهم می کند. وحدت در جامعه اسلامی از نعمت های خداوند است که در تمدن سازی نقش مهمی دارد و جامعه را از آسیب ها و خطرهای زیادی مصون می دارد.

در اسلام بر وحدت و هم گرایی تأکید زیادی شده است. حضرت علی (ع) در این خصوص می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ قَدْ أَمْتَرَ عَلَى جَمَاعَةٍ هَذِهِ الْأُمَّةِ فِيمَا عَقَدَ بَيْنَهُمْ مِنْ حَبْلِ هَذِهِ الْأَلْفَةِ الَّتِي يَنْتَقِلُونَ فِي ظِلِّهَا، وَيَأْوُونَ إِلَيْهَا كَنَفِهَا، بِنِعْمَةٍ لَا يَعْرِفُ أَحَدٌ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَهَا قِيمَةً، لَأَنَّهَا أَرْجَحُ مِنْ كُلِّ تَمَنٍّ، وَأَجَلُّ مِنْ كُلِّ حَظَرٍ (نهج البلاغه: خطبه ۲۳۶).

خداوند سبحان بر این امت به سبب الفت و وحدتی که بین آنها منعقد کرد منت نهاد؛ الفتی که در سایه آن وارد می شوند و در کنار آن پناه می گیرند؛ نعمتی که کسی از آفریدگان بهای آن را نمی داند؛ چراکه از هر کالایی برتر و از هر امر مهمی، مهم تر و بزرگ تر است.

رسول خدا (ص) وجود اهل بیت: را نیز محور وحدت در جامعه اسلامی معرفی می کنند: «فَأَنْتُمْ أَهْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الَّذِينَ بِيَهُمْ تَمَّتِ النِّعْمَةُ وَاجْتَمَعَتِ الْفُرْقَةُ وَاتَّخَذَتِ الْكَلِمَةَ (کلینی، ۱۳۶۵: ۴۴۶)؛ شما اهل بیت، اهل الله هستید که به برکت شما، نعمت کامل گشته و پراکندگی برطرف شده و اتحاد کلمه پدید آمده است.»

در ابتدا که تمدن اسلامی تشکیل می شد، هسته نخستین مسلمان ها را اعراب حجاز تشکیل می دادند که شاخصه های فرهنگی و تمدنی پایینی داشتند. به مرور زمان و با گسترش اسلام ملت های مختلف با سابقه اجتماعی و فرهنگی متفاوت مسلمان شدند؛ گرچه در آغاز عده کمی از آنها مسلمان شدند و بقیه یهودی، زرتشتی، مسیحی یا صابئی بودند. مسلمانان به قدری با آنها با احترام رفتار کردند و اینها را در میان خودشان وارد کردند که کوچک ترین دوگانگی با آنها قائل نبودند و زمینه هضم تدریجی آن بین مسلمانان فراهم شد و عقاید اسلامی را پذیرفتند. براین اساس پایه اصلی تشکیل تمدن اسلامی وحدت و هم گرایی ملت های مختلفی بود که اسلام را پذیرفته بودند (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۴: ۳۹۵).



حضرت علی(ع) خود را حریص‌ترین افراد به وحدت معرفی می‌کنند (نهج البلاغه: نامه ۷۸). ایشان برای حفظ وحدت، اقدامات عملی بسیاری انجام دادند. سکوت، خانه‌نشینی، نبرد با خوارج و... مصادیقی از اهمیت وحدت و هم‌گرایی در اندیشه ایشان در مقاطع مختلف و با در نظر گرفتن شرایط هر دوره است. تفرقه یکی از مشکلات مهم جهان اسلام و از موانع اساسی شکل‌گیری تمدن اسلامی است. این تفرقه ممکن است میان دولت‌ها، ملت‌ها، فرق مختلف اسلامی، مسلمانان و غیرمسلمانان به وجود آید (موسوی خمینی، ۱۳۹۰، ج ۵: ۳۷۴). امام خمینی(ره) در خصوص لزوم وحدت مسلمانان می‌فرماید: «اختلاف عقیده نباید مانع وحدت شود و می‌توان با داشتن عقاید متفاوت، وحدت نیز داشت. عقاید مختلف اسباب اختلاف خارجی چرا بشود؟» (موسوی خمینی، ۱۳۹۰، ج ۲: ۲۴).

تربیت عقلانی و اخلاقی بشر، هدف بعثت نبی مکرم اسلام(ص) است. پیامبراسلام(ص) همواره تلاش کردند اصول و پایه‌های کمال انسان را برای بشر به ارمغان آورند. این تکامل به‌نوعی در جامعه مطلوب ظهور و بروز پیدا می‌کند و این مهم را به اثبات می‌رساند که اسلام ظرفیت تأسیس جامعه مطلوب را در بطن آموزه‌های خود دارد و جامعه مطلوب امروزه می‌تواند تحت عنوان جامعه متمدن خود را معرفی کند. در عصر کنونی تمدن اسلامی باید مطابق با مقتضیات زمان در راستای رشد مسلمانان به ایفای نقش پردازد که اصطلاح تمدن نوین اسلامی می‌تواند اصطلاحی باشد که کارکردهای تمدنی اسلام را در عصر کنونی بیان کند.

پیامبراسلام(ص) در این زمینه تلاش‌های فراوانی کردند و ائمه معصوم: نیز این راه را ادامه دادند؛ ولی تمدن نوین اسلامی یک‌روزه ساخته نمی‌شود، بلکه برای شکل‌گیری تمدن باید در ابتدا ظرفیت‌سازی کرد و سپس از این ظرفیت‌ها در مسیر صحیح بهره برد.

پیامبراسلام(ص) زمینه استفاده از خرد جمعی و مشارکت عمومی در جامعه را فراهم می‌کردند تا وحدت در جامعه شکل گیرد. وحدت و اتحاد از ابزارهای مهم تمدن‌سازی اسلامی هستند، که با مراجعه به روایات اسلامی، اهمیت وحدت و کارکردهای آن به‌خوبی روشن می‌شود. بعد از پیامبراسلام(ص)، با توجه به بروز اختلافات شکننده بین مسلمانان، وحدت و هم‌گرایی مسلمانان یکی از عناصر اثرگذار در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی است.

اسلام بر همزیستی مسالمت‌آمیز بین مسلمانان با وجود تنوع افکار و اندیشه‌ها و مذاهب گوناگون تأکید می‌کند؛ زیرا این تنوع زمینه شکوفایی علمی، فرهنگی و تمدنی مسلمانان

را فراهم سازد. از این رو کارکردهای اتحاد و انسجام اسلامی در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی در این پژوهش تحلیل و بررسی، و سعی می‌شود به این سؤال پاسخ داده شود که اتحاد و انسجام اسلامی چه نقشی در تمدن‌سازی اسلامی و چه کارکردهایی در راستای تمدن‌سازی اسلامی دارد.

### مفهوم‌شناسی

در این قسمت مفاهیمی که در این تحقیق نیازمند آشنایی با آنهایم، به اختصار توضیح داده و وجه معنایی لغات و اصطلاحات مورد استفاده در این پژوهش بیان شده است.

### اتحاد

اتحاد از ریشه «وَحَّ دَ» گرفته شده است. کلمه «وحدت» در زبان عربی به معنای «تنها بودن» و «یکی بودن» به کار می‌رود؛ چنان‌که در حدیثی از رسول اکرم (ص) نقل شده است: «الجلس الصالح خیر من الوحده والوحده خیر من المجلس السوار» (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۵۳۶) و حضرت صادق (ع) فرموده‌اند: «السلامة فی الوحده» (فیض کاشانی، ۱۴۱۲ق: ۱۹۳). اما کلمه «اتحاد» در زبان عربی به معنای «یکی شدن» و «به هم پیوستن» است. در فرهنگ‌های فارسی، از جمله لغت‌نامه نیز اتحاد را به معنای «یکی شدن، یگانگی داشتن، پیوستگی و همدستی» دانسته‌اند (معین، ۱۳۶۳، وحدت). کلماتی که در زبان عربی در باب افتعال به کار می‌روند اصطلاحاً معنای مطاوعه (اثرپذیری) دارند؛ یعنی علاوه بر خواست درونی، عامل یا عواملی نیز آنها را به اجرای فعل تشویق و ترغیب می‌کنند. بنابراین اتحاد، هم به خواست درونی متحدشوندگان و هم تحت تأثیر عوامل بیرونی رخ می‌دهد.

### تمدن

تمدن در زبان عربی از مدن به معنای اقامت کردن و پیدا کردن اخلاق شهرنشینان (معلوف، ۱۳۷۴: واژه تمدن) گرفته شده و معادل واژه الحضاره به معنای اقامت در شهر است (ابن منظور، بی تا، ج ۲: ۱۳۰) و از ریشه «ح ض ر» به معنای شهر، قریه و روستاست و در مقابل بدویت و بادیه‌نشینی قرار دارد (امین، بی تا: ۱۱). تمدن را می‌توان مجموعه‌ای از پنج عنصر



تصور زندگی در دنیا، هدف زندگی، عقیده بنیادین، تربیت فردی و نظام اجتماعی دانست که آگاهانه یا ناآگاهانه به صورت اجتماعی مورد توجه جمع چشمگیری از انسان‌ها قرار می‌گیرد (سلامی، ۱۳۸۸: ۳۲) و بسترهای اجتماعی لازم را برای تکامل همه اعضای جامعه انسانی فراهم می‌کند (بن نبی، بی تا: ۴۲).

### تمدن نوین اسلامی

تمدن نوین اسلامی یکی از اصطلاحاتی است که در دهه اخیر درباره آن مطالب فراوانی نگاشته شده و هریک از آنها از زاویه‌ای آن را بررسی کرده است، ولی تعریف جامع و مانع در خصوص آن وجود ندارد. در تعریف برگزیده که بر اساس تعریف مختار از تمدن بیان شد می‌توان گفت تمدن نوین اسلامی یعنی ظهور و بروز مادی و معنوی پیشرفت‌های هدفمند، نظام‌مند و نوظهور امت اسلامی با محوریت ایران بر اساس تعالیم اسلامی در تمام عرصه‌های اجتماعی، که شکلی معنادار و منضبط به خود گرفته است و جامعه اسلامی را به مقاصد خود نزدیک می‌کند. در تمدن نوین اسلامی هدف این است که با ارائه الگو و روش‌هایی که مبتنی بر معارف اسلامی است در راستای احیای تمدن اسلامی گام نهاده شود و پیشرفت همه‌جانبه حاصل آید. همچنین تلاش می‌شود با یادآوری تاریخ درخشان مسلمانان در رشد و گسترش علوم و دوره‌هایی از شکوه تمدنی اسلام، مسلمانان به بازیابی قدرت بالقوه اسلام بپردازند. در تمدن نوین اسلامی بر وحدت در عین کثرت تأکید می‌شود و اصلاح و احیای تمدن جز از طریق پذیرش تنوع و تکثر ممکن نیست و تنوع قومی و مذهبی در جهان اسلام به عنوان ظرفیت در این راستا شمرده می‌شود.

### احیای اسلام راستین

اسلام به عنوان دین کامل، در عصر حاضر می‌تواند به تمام نیازهای انسان‌ها پاسخ دهد و در این راستا مسلمانان باید با تمسک به قرآن و میراث اسلامی در این مسیر گام بردارند و با تحقق تمدن اسلامی، این ظرفیت اسلام را شکوفا سازند. در عصر حاضر مسلمانان از اسلام اصیل فاصله گرفته‌اند. توجه به کوتاهی‌ها و مسئولیت‌پذیری مسلمانان درباره وضع موجود، آغازگر تمدن‌سازی نوین اسلامی است.



چاره دردهای جهان اسلام بازگشت به قرآن و سنت و احیای اسلام اصیل است. بسیاری از اندیشمندان اسلامی نیز بر پیراستن خرافاتی که باعث فاصله گرفتن مسلمانان از اسلام اصیل شده است تأکید داشته‌اند (مطهری، ۱۳۷۴، ج ۱: ۲۱). سیدجمال‌الدین اسدآبادی بر این باور بود که دین طرحی الهی و ضامن سعادت انسان در دنیا و آخرت است (واثقی، ۱۳۵۵: ۳۷۲-۳۷۴)، ولی سوءتعبیر از احکام اسلام، از عوامل رکود جوامع اسلامی است (مجتهدی، ۱۳۶۳: ۱۹). بنابراین اصلاح اندیشه دینی را لازمه تجدید حیات جهان اسلام دید (صاحبی، ۱۳۶۷: ۲۰۳) و تلاش کرد نگرش مردم را به دین واقعی کند و حقیقت دین را به مردم بشناساند. شهید مطهری (۱۹۷۹-۱۹۱۹م) از کسانی بود که در زمینه احیای تفکر اسلامی گام‌های اساسی برداشت و سعی کرد اسلام واقعی را بیان کند. شهید مطهری به یکی از لوازم تمدن‌سازی اسلامی که احیای اسلام اصیل و تفکر اسلامی است پرداخته و معتقد است که امروزه گرچه مظاهری از اسلام وجود دارد، این مظاهر فاقد ویژگی حیات‌بخشی و حیات‌آفرینی هستند و به همین جهت احیای تفکر اسلامی ضروری است و مسلمانان باید تصور خود را از مفاهیم اسلامی تصحیح کنند، و این همان معنای احیای تفکر اسلامی است (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۵: ۴۴۲). امام خمینی (۱۹۸۹-۱۹۰۲م) اسلام را آفریننده بزرگ‌ترین و پیشرفته‌ترین تمدن‌ها می‌دانستند و با اشاره به اینکه هرکس به قوانین اسلامی عمل کند به پیشرفته‌ترین تمدن‌ها خواهد رسید (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۵: ۲۰۴)، مسلمانان را به احیای ویژگی‌های تمدن‌ساز اسلام و بازگشت به اسلام اصیل فراخواندند؛ چراکه تنها راه نجات مسلمانان، تمسک به آموزه‌های اصیل اسلامی است.

البته منظور از بازگشت به اسلام اصیل، بازگشت به گذشته و تقلید کورکورانه از گذشته نیست، بلکه منظور نوعی آسیب‌شناسی وضع موجود و یادآوری گذشته پرافتخاری است که در برهه‌ای از تاریخ مسلمانان به‌عنوان جوامع متمدن و پیشرفته شناخته می‌شدند؛ یعنی مسلمانان باید به گسست اجتماعی جوامع مسلمان از اسلام اصیل توجه کنند که در عقیده، اخلاق و عمل از مفاهیم و ارزش‌های اسلامی فاصله گرفته‌اند و برای از بین بردن این فاصله تلاش کنند. هدف از این بازگشت، احیای تمدن اصیل اسلامی و گسترش اصول و مبانی تمدن‌ساز اسلام بر اساس درون‌مایه‌های اندیشه اسلامی است؛ زیرا اسلام اصیل به دلیل ویژگی «خاتمیت»، تمام ویژگی‌های حیات‌بخشی و تمدن‌سازی را در ذات خود داراست.



## تشکیل امت واحد

بی‌تردید احیای تمدن اسلامی بدون بها دادن به درون‌مایه‌های فکری همه مذاهب اسلامی، ممکن نخواهد بود. اتحاد امت اسلامی برای رسیدن به هدفی واحد، مشترک و بزرگ است و با تقریب مذاهب و هم‌گرایی بین مسلمانان محقق خواهد شد. بدون تردید وحدت و همدلی از آموزه‌های اصولی مترقی و بلند قرآن مجید است. گواه این مدعا ده‌ها آیه قرآن است که مسلمانان، بلکه همه مردم را به گرد آمدن بر محور حقیقت و ترک جدال و تفرقه دعوت می‌کند، و به همین نسبت، آیاتی وجود دارد که مسلمانان را از تفرقه و اختلاف نهی می‌کند و آن را مطرود می‌شمارد: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (انبیاء: ۹۲). زمانی که خداوند اصولی‌ترین دعوت پیامبران الهی را مطرح می‌سازد موضوع پرهیز از «تفرق» را پیامی هم‌سنگ با اصل برقراری دین می‌شمارد:

سَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ (شوری: ۱۳).

برای شما از دین همانی را مقرر کرد که نوح را بدان سفارش کرده بود و نیز آنچه به تو وحی کردیم و آنچه ابراهیم و موسی و عیسی را بدان سفارش کردیم که دین را به پا دارید و در آن پراکندگی و اختلاف نکنید.

این آیه بر اصل اتحاد و یک‌پارچگی جامعه تأکید می‌کند و این ویژگی را از دستورهای خداوند به همه انبیای الهی از جمله حضرت ابراهیم، حضرت موسی و حضرت عیسی: برمی‌شمارد.

پیامبر اکرم (ص) وجود تنوع فکر و اندیشه بین امت را رحمت معرفی می‌کنند: «اختلاف امتی رحمه» (قزوینی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۷۱) که وجود اندیشه‌های مختلف به رسمیت شناخته و زمینه تضارب اندیشه‌ها در جامعه فراهم می‌شود. از سوی دیگر اسلام عامل قومیت را عامل به‌وجودآورنده و ثبات‌دهنده اجتماع نمی‌داند و تشکیل اجتماع بر این اساس را نهی می‌کند (حجرات: ۱۳)؛ زیرا این عامل سبب می‌شود هر دسته از مردم از جامعه جدا شوند و در نتیجه انسان‌ها از یگانه شدن و گرد هم آمدن کناره‌گیرند و اگرایی در جامعه گسترش یابد و اگر این اگرایی در مقیاس بزرگ‌تری بود، اطلاق عنوان جامعه بر این اجتماع انسانی نیز با تشکیک روبه‌رو شود. بر اساس رویکرد قرآنی، بشر باید جامعه واحدی تشکیل دهد و برای ابعاد

جغرافیایی و قلمروهای سیاسی ارزش قائل نشود، بلکه همگان را به یک عقیده فراخواند. در واقع انسان‌ها همواره باید به دنبال هم‌گرایی ایدئولوژیکی باشند. برای تحقق یافتن و در واقع جهانی شدن این آموزه وحدت‌گرا لازم است امت واحد تشکیل شود. در واقع مرز فرهنگ اسلامی، امت اسلامی است. بنابراین می‌توان گفت امت گروهی است که هدف واحد آنان را گرد هم آورده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴: ۳۲۲).

قدرت یک‌پارچه و متحد جهان اسلام سازکارها، ابزارها و زمینه‌های ایجاد، گسترش و توسعه تمدن اسلامی را فراهم می‌کند. طبق روایت «الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُا بَعْضًا» (شعیری، بی تا: ۸۵) که از رسول خدا (ص) نقل شده، دین رابطه بین انسان‌ها را به صورت ارزش اخلاقی در می‌آورد و این ارزش در قالب روابط اجتماعی پدیدار می‌شود. دین پدیدآورنده نظام اجتماعی است که افراد در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و بر اساس وحدتی که بین آنها شکل می‌گیرد یک فرد به افراد زیادی تبدیل می‌شود و هر قدر این وحدت و انسجام بیشتر باشد، این گروه گسترده‌تر خواهد بود و برعکس هر چه این اتحاد و انسجام ضعیف‌تر باشد، این گروه به سمت واگرایی حرکت می‌کند و قابلیت‌های او محدودتر خواهد شد. بنابراین تشکیل امت اسلامی گامی مهم در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی خواهد بود.

### گسترش تعالیم دینی

انسجام در موضوعات مختلف اعم از مسائل علمی، فرهنگی، اجتماعی و دینی و مذهبی زمینه رشد و گسترش علوم مختلف را فراهم می‌کند. در جامعه‌ای که از اتحاد و انسجام برخوردار است بر حفظ اصول مشترک تأکید می‌شود. قرآن نه تنها مسلمانان بلکه اقلیت‌های دینی را دعوت می‌کند تا با مسلمانان بر سر عوامل مشترک وحدت داشته باشند (آل عمران: ۶۴) و همه به این کلمه چنگ بزنند و در نشر و عمل به لوازم آن دست به دست هم دهند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج: ۳۹۰). در فضایی که اختلاف و تفرقه وجود داشته باشد وحدت بیشتر از اینکه بر مبنای فهم مشترک باشد، بر محور دغدغه مشترک شکل می‌گیرد. اتحاد و انسجام می‌تواند در ارتباط با افکار و اندیشه‌های مختلف نیز به ایفای نقش پردازد و به هم‌گرایی کمک کند که در آن با شخصیت‌های علمی، فرهنگی و مذهبی برجسته ارتباط برقرار می‌شود و زمینه دادوستد علمی فراهم می‌آید.





اگر اتحاد در جامعه به فرهنگ تبدیل شود، ظرفیت لازم برای گسترش تعالیم دینی نیز فراهم خواهد شد؛ زیرا انسجام بین انسان‌هایی که دارای تعصبات افراطی هستند باعث خواهد شد آنها نیز آن را به منزله فرصت قلمداد کنند و نظرهای خود را بگویند. انسان‌ها در این شرایط با یکدیگر خویشتن‌دارند و تضارب افکار و اندیشه‌ها در محیطی آرام صورت می‌پذیرد. این نخستین گام برای رشد و گسترش علوم است.

تضارب افکار و اندیشه و بیان روشمند و عقلانی وجوه مشترک بین مسلمانان و استفاده از معارف اصیل اسلامی در بیان دیدگاه‌ها و اندیشه‌ها باعث می‌شود هم محتوای غنی اسلام به‌خوبی معرفی شود و هم مواردی که باعث افتراق می‌شود به حاشیه رانده شود. با تأمل در تاریخ اسلام، این نکته به‌خوبی مشخص می‌شود که وجود مکاتب فکری متعدد که همواره باهم رقابت داشته‌اند در کنار وجود عوامل مشترکی مانند توحید، قرآن و حدیث و وابستگی آنها به وحی و اهمیت دادن به شریعت، باعث رشد و ترقی آنها شده است.

در عصر حاضر گروه‌ها و اندیشه‌های مختلف در جهان اسلام می‌توانند با هم‌گرایی و وحدت خود نقش مهمی در گسترش تعالیم اسلامی ایفا کنند؛ که تمدن اسلامی نیز باید بر این مبنا ایجاد شود. در تمدن‌سازی نوین اسلامی هیچ‌یک از گروه‌های مذهبی و فکری نباید در پی آن باشند که یکی از آن گروه‌ها یا فرقه‌ها را اثبات و دیگران را رد کنند؛ چراکه در عصر حاضر آسیب‌های دنیای امروز فراتر از این موارد است و در عصر حاضر دین‌داری و خدامحوری در بخش بزرگی از دنیای امروز به فراموشی سپرده شده است.

سیدجمال‌الدین اسدآبادی موفقیت طرح اتحاد جهان اسلام را در لحظه‌ای عملی و دست‌یافتنی می‌دید که عالمان مذاهب اسلامی به تفاهم برسند و به احساس مشترکی دست یابند. به‌منظور تحقق این هدف، علما باید بکوشند در این مرکز تبادل نظر و گفت‌وگوی عالمان دینی انجام شود تا به وحدت نظر برسند (منصورنژاد، ۱۳۸۷: ۱۰۸). امام موسی صدر نیز اتحاد بین مسلمانان و حتی علما را بسیار ضروری می‌دانست و معتقد بود بدون شک در تعالیم و احکام اختلافاتی میان مذاهب اسلامی وجود دارد. اما ایشان با توجه به اینکه همه مذاهب اسلامی دارای اصول و ارزش‌های یک‌سان، کتاب و قبله واحدند و این اختلافات در جایگاه مناسب اتحاد مسلمانان را دگرگون نمی‌کند، بلکه آن را تأیید و امر اجتهاد را آسان می‌نماید (همان: ۱۳۸)، آن را فرصت قلمداد می‌کرد.

اقبال لاهوری معتقد بود باید پوست سختی را که روی اسلام را پوشانده و نظر پویا و بالنده آن را متوقف ساخته است از روی آن برداریم و از نو حقایق اصلی آزادی، برابری و مسئولیت مشترک را بازخوانی کنیم (شعیری، بی تا: ۱۷۳). ایشان معتقد بود اسلام انفس و آفاق را منابع علم و معرفت می‌داند که هر دو از یک ریشه جوانه می‌زنند و خداوند نشانه‌های خود را هم در تجربه درونی آشکار می‌سازد و هم در تجربه بیرونی (همان: ۱۳۷-۱۳۸). وی همچنین معتقد بود فکر دینی در مدت پانصد سال اخیر رکود داشته و در این دوران که وی آن را دوران خواب عقلی جهان اسلام می‌نامد اروپا با کمال جدیت درباره مسائلی اندیشیده است که فیلسوفان و اندیشمندان اسلامی سخت به آنها دل بسته بودند. در نتیجه جنبش عقلی در اروپا از قرون وسطا که مکاتب کلامی به حد کمال رسیده بود پیشرفت‌های نامحدودی در زمینه فکر و تجربه بشری کرده است؛ به طوری که به نظر می‌رسد عقل از زمان، مکان و علیت تجاوز کرده و حتی تصور ما به قابلیت تعقل را دستخوش تغییر کرده است (همان: ۲۱-۲۲). ولی جهان اسلام با داشتن پشتوانه متعالی دین اسلام، از این نعمت محروم است و لذا باید با مراجعه به میراث غنی خود، برای احیای اسلام اقدام کند. بنابراین با توجه به آموزه‌های غنی دین اسلام و پابندی مسلمانان به اعتقادات مذهبی، اتحاد و انسجام بین مسلمانان می‌تواند در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی به ایفای نقش پردازد و زمینه گسترش تعالیم دین را در تمام جهان فراهم سازد.

### ترویج فضای گفتمانی

سیری در تاریخ درخشان اسلام حکایت از آن دارد که فرهنگ و تمدن اسلامی در عین داشتن اصالت و شخصیت مختص به خود، مانند فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر جهان، از فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر سود برده، ولی این نوع بهره‌گیری بدان شکل نبوده است که فرهنگ و تمدن دیگر را بی‌هیچ تصرفی در قلمرو خود قرار دهد، بلکه بخش‌های مثبت و سازنده دیگر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها را جذب و در خود هضم کرده و از آنها موجودی تازه پدید آورده است. این نکته از کارکردهای اصلی اتحاد و انسجام در عصر حاضر است. از برکات اصلی «جدال احسن»، اخذ نکات ره‌گشایی است که از لابه‌لای گفت‌وگوهای به ظاهر کم‌اهمیت به منصفه ظهور می‌رسند. این موضوع تأییدکننده این امر است که صرف پا گذاشتن به مجالس



گفت‌وگویی میان مذاهب به معنای خالی شدن کامل از عقاید و باورهای خویش یا پشت پا زدن به همه اعتقادات نیست.

فرهنگ اسلامی ضمن هویت‌بخشی به ترویج فضای گفت‌وگو، برای آنکه هم به تفکر و تعقل احترام گذارد و هم به اختلاف اندیشه‌ها خدشه وارد نشود، به «تبادل نظر»، «گفت‌وگو» و «تضارب آرا» اهمیت داده و آن را وظیفه هر عاقل و صاحب فکر دانسته است. پیامدهای جلوگیری از تبادل نظر و محدود کردن آن، رکود استعدادها، سطحی‌نگری، تسلیم‌پذیری و جمودگرایی است که هریک در جای خود، نه‌تنها به احیای تمدن اسلامی کمک نخواهد کرد، بلکه افول آن را تداوم خواهد بخشید. اگر اندیشمندان در اندیشه‌های خود باهم شریک شوند و با رعایت روش گفت‌وگو، حق‌جویی، عقل‌مداری، آزادمنشی، توافق‌ارزشی، خوش‌خویی و تحمل‌اندیشه‌ها، فضای تبادل نظر را فراهم کنند، راهی مستحکم و ژرف را در برابر دیدگان احیای تمدن اسلامی گشوده‌اند. به‌هررو باید توجه کرد اگر ظرفیت شنیدن دیدگاه‌های گوناگون را نداشته باشیم، نمی‌توانیم با دیگران ارتباط برقرار کنیم. ناگزیر افزون بر آنکه روح همیاری و همکاری از میان می‌رود، تعصب و بدتر از آن، خشونت بر مباحث نظری حاکم خواهد شد و این مساوی است با مرگ اندیشه، و اگر فرهنگی اندیشه نداشته باشد، تمدن نیز نخواهد داشت.

مسلمانان همواره باید آمادگی گفت‌وگو با یکدیگر را داشته باشند و اگر این آمادگی را نداشته باشند، به اختلاف می‌رسند. امام موسی صدر به این اتحاد حتی بین پیروان ادیان مختلف نیز توصیه می‌کند و قائل بر این است که مسلمانان و مسیحیان در کنار یکدیگر باید زندگی را بهتر کنند. دیگران را فقط نباید تحمل کرد؛ باید کنار یکدیگر کار کرد. از این‌رو، زندگی برآمده از کنش مشترک و فعالیت مشترک است. وقتی در جامعه دیگری متفاوت با خود ساخته می‌شود، دیگری که در بهترین شکل به او ترحم می‌شود، این امر مانع گفت‌وگو می‌شود. فضای پیرامونی پر از این غیریت‌سازی‌هاست: جنسیت، قومیت و مذهب هریک نوعی غیریت ایجاد می‌کنند و با این غیریت‌ها نمی‌توان گفت‌وگو کرد. پس بهتر است اختلاف مذهبی را مبنای جدا کردن مردم جامعه قرار نداد و پیروان ادیان و مذاهب دیگر را جزئی از جامعه که می‌توان با آنها گفتمان داشت به‌شمار آورد. در اندیشه امام موسی صدر غیریت‌ها عبارت‌اند از تحجر، استبداد، بی‌سوادی، عقب‌ماندگی و اسرائیل (دوماهنامه الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، بی‌تا: ۱۴۷-۱۴۸).



ارج نهادن به شخصیت افراد زمینه مناسبی برای نزدیکی و هم‌گرایی است و این نزدیکی خاستگاه همفکری و هم‌اندیشی می‌شود و برخی دوری‌ها و ناسازگاری‌ها را کنار می‌زند و موجب می‌شود افراد به سخنان همدیگر گوش فرادهند. قرآن کریم کسانی را که دیدگاه‌های مختلف را می‌شنوند و در آنها می‌اندیشند و از میان آنها بهترین دیدگاه را انتخاب می‌کند مدح و ستایش می‌کند: «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَ أُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ (زمر: ۱۸)؛ کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند، آنها کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده و آنها خردمندان‌اند.»

فرهنگ اسلامی ضمن هویت‌بخشی به گفتمان تقریب بین ادیان و مذاهب، برای آنکه هم به تفکر و تعقل احترام بگذارد و هم به اختلاف اندیشه‌ها خدشه وارد نشود، به تبادل نظر، گفت‌وگو و تضارب آرا و اندیشه‌ها اهمیت داده و آن را وظیفه هر انسان عاقل و صاحب‌اندیشه‌ای دانسته است. در گفت‌وگوی بین ادیان و مذاهب باید از تعصب، جمود، یک‌جانبه‌گرایی و تحقیر طرف دیگر پرهیز شود.

مشروعیت گفت‌وگو بین ادیان توحیدی و احترام به عقاید آنان و التزام به شیوه‌های پسندیده در گفت‌وگوها از آنجا ناشی می‌شود که اسلام کتاب‌های آسمانی اهل کتاب را تصدیق کرده است: نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابُ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَ انزَلَ التَّوْرَةَ وَ الْانجِيلَ - من قبل هدی للأناس و انزل الفرقان (آل عمران: ۳-۴).

خداوند این کتاب (قرآن) را بر تو به حق نازل کرده که تصدیق‌کننده کتاب‌های پیشین است و از پیش تورات و انجیل را برای هدایت مردم فرستاد و فرقان را نازل فرمود. از دیدگاه قرآن همه پیامبران محترم‌اند؛ زیرا محور مأموریت‌ها و رسالت‌های پیامبران الهی تفاوتی با یکدیگر ندارد و تعصبات نژادی و اغراض شخصی سبب نمی‌شود بعضی را پذیرفت و بعضی را رها کرد:

قُولُوا ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَ مَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ... لَا نَفَرَّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهٗ مُسْلِمُونَ (بقره: ۱۳۶).

بگوئید: ما به خدا ایمان آورده‌ایم و به آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و... و ما جدایی در میان آنها قائل نمی‌شویم و در برابر فرمان خدا تسلیم هستیم (مکارم شیرازی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۴۶۶-۴۶۷).



قرآن کریم از پیامبر(ص) می‌خواهد بنیان تبلیغ و معرفی دین خود را چه در مواجهه با مسلمانان و چه غیرمسلمانان بر اصل گفت‌وگو، منطق، حکمت و جدال احسن قرار دهد. پیامبر اکرم(ص) به منظور ارج نهادن به شخصیت انسان‌ها در گفت‌وگو با پیروان یهود می‌فرماید: «یا اخوه الیهود (طبرسی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۵۷)؛ ای برادران یهودی.» امام صادق(ع) نیز در گفت‌وگو با یکی از منکران مصری می‌فرماید: «یا ابا اهل مصر (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۷۳)؛ ای برادر مصری.» در این روایت امام صادق(ع) آن فرد را تحقیر نمی‌کنند و در ضمن سخن با او چندین بار از لفظ محترمانه «ابا اهل مصر» استفاده می‌کنند و با این شیوه اخلاقی به سؤالات او پاسخ می‌دهند؛ چنان‌که منکر مصری به اسلام ایمان می‌آورد (همان: ۷۴).

مصادیق زیادی از گفت‌وگوی پیامبر اسلام(ص) و ائمه معصوم: با اقلیت‌های دینی وجود دارد که در آن جلسه‌ها اقلیت‌های دینی و مذهبی آزادانه نظرهای خود را بیان می‌کردند (طبرسی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۰۶). در اینجا منظور از دیدگاه‌های مختلف دیدگاه‌هایی نیست که مورد پذیرش باشد و بتوان آنها را در زیر مجموعه یک گفتمان جمع کرد، بلکه دیدگاه‌هایی است که ادیان و مذاهب مختلف مطرح می‌کنند و با اندیشه فرد مخاطب تفاوت ماهوی دارند.

در گفت‌وگو اگر یکی از طرفین برحق بودن خود و باطل بودن طرف مقابل را مطرح کند، راه گفت‌وگو و تعامل بسته می‌شود. پیامبر اسلام(ص) با تأسی از آیه ۲۴ سوره سبأ که می‌فرماید: «قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَوتِ وَ الْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَ إِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلٰی هُدٰی أَوْ فِی ضَلٰلٍ مُّبِیْنٍ؛ بگو چه کسی شما را از آسمان‌ها و زمین روزی می‌دهد؟ بگو الله و ما یا شما بر هدایت یا در ضلالت آشکاری هستیم»، باینکه برحق بودند، به طرف مقابل می‌فرمودند یکی از ما برحق است تا راه گفت‌وگو و تعامل و تبادل نظر باز باشد. درباره این روش پیامبر(ص) زمخشری می‌گوید: با این سخن پیامبر(ص) و این نوع برخورد منصفانه ایشان، هر انسان موافق یا مخالفی به انصاف پیامبر(ص) حتی در گفت‌وگو با مخالف اعتراف خواهد کرد (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۵۸۱).

گفت‌وگوی میان ادیان و مذاهب به معنای عقب‌نشینی از عقاید و باورهای خویش یا پشت پا زدن به اعتقادات نیست، بلکه در این گفت‌وگوها انسان‌ها به دنبال آگاهی از افکار



و اندیشه‌های یکدیگر و شناخت مسیر درست‌تر هستند. در حوزه ترویج فضای گفت‌وگو، فقط آگاهی از اهمیت و شرایط آن کافی نیست، بلکه فردی که می‌خواهد در این تضارب افکار و آرا شرکت کند باید رفتار خویش را اصلاح کند تا بتواند نظرهای دیگران را به‌خوبی دریابد. امام رضا(ع) ضمن حدیثی می‌فرماید: «سَلُّ يَا عَمْرَانُ وَعَلَيْكَ بِالتَّصَفَةِ وَإِيَّاكَ وَالْخَطْلَ» (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۶۸)؛ ای عمران، بپرس. مبدا در گفت‌وگوها سخنی فاسد و ناستوار بر زبان آوری.» در اینجا امام تأکید می‌کنند که در گفت‌وگو جوانب اخلاق نگه داشته و از هرگونه اهانت و استفاده از تعبیر زشت و ناروا پرهیز شود.

مهم‌ترین آفت‌های مباحث فکری عبارت‌اند از خودمحوری به جای حق‌محوری، نقد اشخاص به جای نقد افکار، پرخاشگری به جای منطق‌ورزی و مطلق‌اندیشی به جای آزادمنشی. متأسفانه بعضی اندیشمندان جهان اسلام در فکر آزاداندیش‌اند، ولی در عمل آزادمنش نیستند. جمود در فکر و اندیشه مقدمه جمود در عمل است و امروزه اغلب اقدامات گروه‌های تکفیری ناشی از خشک‌مغزی و بسته بودن ذهن و عقل آنهاست که باعث شده برخی جریان‌های فکری در جهان اسلام سیر نزولی را طی کنند.

جلوگیری از گفت‌وگو و تبادل افکار و اندیشه‌ها و محدود کردن آن، سطحی‌نگری، تسلیم‌پذیری، جمودگرایی و رکود استعدادها را در پی خواهد داشت و انسان‌ها روزبه‌روز از تفکر و تعقل فاصله می‌گیرند. اگر افراد از بازگو کردن اندیشه خود که در نتیجه تعقل و ژرف‌اندیشی حاصل شده است در هراس باشند، شور و شوق اندیشیدن از بین می‌رود و انسان قدرت نوآوری و خلاقیت خود را از دست می‌دهد.

### گسترش هم‌گرایی و پرهیز از تفرقه

وحدت و هم‌بستگی و از بین رفتن تفرقه بین مسلمانان از آرزوهای دیرین بسیاری از دل‌سوزان و اندیشمندان جهان اسلام بوده است تا در پرتو اتحاد و هم‌بستگی، مسلمانان در جهت هم‌گرایی هرچه بیشتر گام بردارند.

یکی از عواملی که در آغاز اسلام نیز باعث رکود جامعه اسلامی شد وجود واگرایی و تفرقه بین مسلمانان بود و وحدت و هم‌گرایی مسلمانان از عوامل مهمی است که زمینه حرکت جامعه در راستای تمدن‌سازی اسلامی را فراهم می‌کند. در آیات و روایات فراوانی به اتحاد و



هم‌گرایی تأکید شده است (بقره: ۲۱۳؛ آل عمران: ۶۴؛ انفال: ۶۲ و ۶۴). وحدت و هم‌گرایی در تمدن‌سازی نقش مهمی دارد و جامعه را از آسیب‌ها و خطرهای زیادی مصون می‌دارد. حضرت علی (ع) در این خصوص می‌فرمایند:

إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ قَدْ أَمْتَنَ عَلَى جَمَاعَةٍ هَذِهِ الْأُمَّةِ فِيمَا عَقَدَ بَيْنَهُمْ مِنْ حَبْلِ هَذِهِ الْأَلْفَةِ الَّتِي يَنْتَقِلُونَ فِي ظِلِّهَا، وَيَأْوُونَ إِلَيْ كَنْفِهَا، بِنِعْمَةٍ لَا يَعْرِفُ أَحَدٌ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَهَا قِيَمَةً، لَأَنَّهَا أَرْجَحُ مِنْ كُلِّ ثَمَنٍ، وَأَجَلٌ مِنْ كُلِّ خَطَرٍ (نهج البلاغه: خطبه ۲۳۶).

خداوند سبحان بر این امت به سبب الفت و وحدتی که بین آنها منعقد کرد منت نهاد؛ الفتی که در سایه آن وارد می‌شوند و در کنار آن پناه می‌گیرند؛ نعمتی که کسی از آفریدگان بهای آن را نمی‌داند؛ چراکه از هر کالایی برتر و از هر امر مهمی، مهم‌تر و بزرگ‌تر است.

سیدجمال که از پراکندگی و اختلاف و واماندگی جهان اسلام آزرده‌خاطر بود و اندیشه احیای مجد و عظمت جهان مسلمانان را در سر داشت به این نتیجه رسیده بود که مهم‌ترین راه دفع خطر بیگانگان، تحقق وحدت اسلامی میان مسلمانان جهان است. به تعبیر او، امروز هیچ چیز چاره کار را به جز اتفاق نمی‌کند (واتقی، ۱۳۵۵: ۴۰۵) و مسلمانان برای نیرومند شدن ناگزیر از وحدت‌اند؛ زیرا وحدت خاستگاه قدرت است (سمندر، ۱۳۶۰: ۱۴۰). او برای تحقق این امر، در جوامع مختلف و به شیوه‌های گوناگون مسلمانان را به ترک اختلافات و ضرورت وحدت و اتحاد دعوت و تلاش می‌کرد زمینه‌های وحدت‌بخش را در حیات مادی و معنوی مسلمانان جست‌وجو، و با یادآوری اموری مثل مجد و عظمت گذشته مسلمانان، وسعت ممالک اسلامی، توان بالقوه مسلمانان و اشتراکات فکری و عقیدتی، گرایش به اتحاد را در میان آنها تقویت کند.

عبدۀ همواره در پی وحدت جهان اسلام بود و از این‌رو با تعصب فرقه‌ای مخالف بود؛ تا جایی که به قول خودش **نهج البلاغه** را کشف کرد، درصدد شرح و نشر آن برآمد و حتی از ستایش بی‌مانند حضرت علی (ع) در بیغ نورزید (صاحبی، ۱۳۶۷: ۱۵۳). نوری با این اندیشه که جهان اسلام یک کل واحد است، بیشترین نقش را در قرائت جدید از اسلام در ترکیه ایفا کرد (ولد، ۱۳۸۹: ۱۳). اصل اتحاد کانون اندیشه‌های نوری را تشکیل می‌داد و وی با این اصل با هرگونه اندیشه واگرایانه مخالفت می‌کرد. او گام نخست را در اتحاد قلوب می‌دید و همه را به کنار گذاشتن پراکندگی‌ها فرامی‌خواند و برای دستیابی به یک‌پارچگی، ترک تظاهر و افراط‌گرایی در سطح فردی و اجتماعی را مطرح می‌کرد و از همین رو، با ناسیونالیسم و هرگونه تجزیه‌طلبی



مخالفت می‌کرد (همان: ۸۰). نورسی در بحث اتحاد اسلامی تنها به وحدت امت قائل نبود، بلکه به اتحاد اندیشمندان و نخبگان جهان اسلام می‌پرداخت (قاسم الصالحی، ۱۹۹۸م: ۲۳). از دیدگاه ابوالاعلی مودودی (۱۹۰۳-۱۹۷۹م)، مهم‌ترین و اصلی‌ترین عامل ایجاد اختلاف و گسستگی بین مسلمانان، ظهور تعصبات قومی و نژادی بوده است که بعدها در قالب تعصبات خشک مذهبی نیز نمایان شد و عامل اصلی اختلاف بین مذاهب مختلف اسلامی گردید. حسن حنفی متولد (۱۹۳۵م) معتقد است باید توحید را از دایره صرف اعتقاد خارج کرد و کارکرد آن را در میدان عمل روشن ساخت. از نگاه ایشان، توحید در نظام جهانی هم معنا دارد و پیامش مخالفت با نژادپرستی و کاستن از فاصله بین قوی و ضعیف و به میدان آوردن گروه‌های به حاشیه‌رانده شده است (وصفی، ۱۳۸۷: ۱۷۲).

### کاهش تعصب و افراطی‌گری

بی‌شک در فضای صبوری در برابر اندیشه‌ها می‌توان تبادل نظر را که یکی از شاخصه‌های ایجاد و بالندگی تمدن به‌شمار می‌آید بهبود بخشید. با صبوری در برابر افکار، قدرت تعقل و نقادی در جامعه رشد می‌کند، روابط کلامی و ارتباطی تغییر می‌یابد و روح همکاری، کار گروهی، قدرت ملی، مسئولیت اجتماعی، درک سیاسی و تبادل اندیشه‌ها و فرهنگ‌ها بالنده می‌شود. بر همین اساس، قرآن کریم در رویارویی با آرای مخالف، مسلمانان را به خویش‌داری دعوت می‌کند تا در پرتو آن، گزینش بهترین اندیشه و سخن ممکن شود.

گسترش اتحاد در جامعه باعث می‌شود فاصله‌هایی که ممکن است بر اثر تعصب بیجا و پافشاری بر ایده‌ای ایجاد شده باشد کاهش یابد و بدبینی و خصومت جای خود را به خوش‌بینی و دوستی بدهد. تعصب باعث می‌شود انسان در بسیاری از مسائل دچار جهل شود. پیامبر اکرم (ص) در مذمت تعصب می‌فرماید: «ایاک واللجاجة، فان اولها جهل و آخرها ندامة (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۱۴)؛ از لجاجت بپرهیزید که آغازش جهل و پایانش پشیمانی است.» تعصب و افراطی‌گری دینی و مذهبی نیز از عواملی است که باعث می‌شود جامعه دچار واگرایی شود. یکی از راهکارهای کاهش تعصب و افراطی‌گری نزدیک‌تر کردن مسلمانان با گرایش‌های فکری و مذهبی متفاوت به یکدیگر است. برخی اندیشمندان جهان اسلام در این راستا و به‌منظور رهایی مسلمانان از افراطی‌گری، نزدیکی مذاهب را دنبال کرده‌اند. محمد





السوقی در این خصوص می‌گوید: نزدیک‌تر کردن مذاهب اسلامی یعنی تلاش برای رقیق کردن تعصبات افراطی و فراخوانی امت اسلامی بر محور ایده مشترک و کلمه واحد بر اساس اصول و شاخصه‌های بنیادین دینی (الدسوقی، ۱۹۹۴م: ۵۴).

محمد آرکون معتقد است باید با ترویج پژوهش‌های تاریخی، به مردم کمک کنیم افکار و اندیشه‌های خود را توسعه دهند، و در این راه با حمایت از فرق مختلف در خصوص یافته‌های جدید، مردم را با فرهنگ بار بیاوریم. باید مردم را به منطق جدید تفکر عادت دهیم تا با خرد و اندیشه خود بتوانند مسائل روز را درک کنند و درونی سازند. تا وقتی جوامع عربی و اسلامی مردم خود را این‌گونه تربیت نکنند و آنها را در این مسیر صحیح نیندازند، جنگ‌های فرقه‌ای و مذهبی همچنان ادامه خواهد یافت (آرکون، ۱۳۸۹: ۱۰۳). پس یک راه زدودن تعصبات افراطی رشد فکری مردم است که آن‌هم از مسیر کاهش تعصبات مذهبی در جامعه می‌گذرد. تقریب بین مذاهب مختلف زمینه طرد اندیشه تکفیر و گرایش‌های متعصبانه و افراطی را از بین می‌برد. حسن حنفی رد کردن گفت‌وگو و عدم تحمل سایر جریان‌های فکری را یکی از عوامل گسترش اندیشه افراطی‌گری می‌داند. این اندیشه به دلیل اینکه خود را برحق و دیگران را گمراه می‌داند، فقط جماعت‌های اسلامی مثل خودشان را در راه حق و صاحب حقیقت می‌پندارد، برای دیگران هیچ شأنی قائل نمی‌شود و حتی آنها را جزء مؤلفه قلوبهم نیز به‌شمار نمی‌آورد (حنفی، ۱۹۹۸م، ج ۲: ۴۰). اگر این گروه‌ها مقداری با گروه‌های دیگر خویش‌نوار باشند و با اندیشه‌های آنها آشنا شوند، از افراطی‌گری دست برمی‌دارند و حداقل حق حضور دیگران را محترم می‌شمرند.

در اندیشه فؤاد زکریا یکی از عوامل افراطی‌گری وجود تعصب است؛ زیرا تعصب باعث می‌شود هر انسانی فقط بر ایده خود اصرار ورزد و بدون دادن فرصت استدلال به طرف مقابل، او را محکوم می‌کند. در اندیشه ایشان، برخی آفات تعصب فکری عبارت‌اند از: تعصب مانعی با ابعاد گوناگون است که امکان هرگونه تفکر علمی و سنجیده را نابود می‌کند (زکریا، بی‌تا: ۱۱۱-۱۱۳). اگر تحمل گروه‌های مخالف در جامعه رواج داشته باشد و افراد متعصب به دیگران نیز اجازه دفاع از افکار و اندیشه‌های خود را بدهند، بر اثر شنیدن این استدلال‌ها، افراد متعصب نیز انعطاف‌پذیر خواهند شد و همین انعطاف سرآغاز کاهش تعصب و افراطی‌گری خواهد بود.



## نتیجه‌گیری

دین مبین اسلام ظرفیت تأسیس جامعه مطلوب را در بطن آموزه‌های خود دارد و جامعه مطلوب امروزه می‌تواند تحت عنوان جامعه متمدن خود را معرفی کند. ولی وجود اختلافات در مسلمانان باعث شده است اتحاد و انسجام که از عوامل مهم تمدن‌سازی نوین اسلامی است بین جوامع مسلمان جایگاه خود را از دست دهد و به‌نوعی جهان اسلام در اغلب سطوح خود شاهد نوعی واگرایی باشد.

بی‌گمان اتحاد و انسجام مسلمانان و نزدیکی آنها به یکدیگر، فرصت احیای مجدد اسلام و بازخوانی اسلام را برای همه مسلمانان فراهم می‌کند تا بتوانند با تمسک به قرآن و متون دینی، با معارف اصیل اسلامی آشنا شوند و در راستای شکوفایی خود از آن بهره ببرند. یکی از آرمان‌های دین مبین اسلام، تشکیل امت واحد است. مفهوم امت واحد در تفکر اسلامی با حضور همه افراد جامعه محقق خواهد شد که اتحاد و انسجام اسلامی زمینه آن را فراهم می‌سازد.

اتحاد و انسجام در جوامع باعث می‌شود مسلمانان بتوانند بدون تعصب و افراطی‌گری با اندیشه‌های یکدیگر آشنا شوند و در فضای آرام تضارب افکار و اندیشه‌ها صورت گیرد. در نتیجه تضارب آرا کهنگی و ایستایی از اندیشه‌ها دور می‌شود و تحرک و پویایی جای آن را می‌گیرد. عقیده هر شخص هر قدر هم قوی باشد اگر به‌طور کامل و مکرر نقد نشود، به عقیده‌ای مرده تبدیل خواهد شد، نه حقیقتی زنده و پویا. بنابراین جامعه در معرض تضارب آرا تولید دانش و گسترش تعالیم دینی را در پی خواهد داشت.

اتحاد و انسجام اسلامی فرهنگ گفت‌وگوی صحیح، منطقی و سازنده بر اساس اصول و مبانی مشترک با هدف درک یکدیگر و دستیابی به تمدن نوین اسلامی و استفاده از ظرفیت‌های یکدیگر را در پی دارد. درحقیقت گفت‌وگو، گفت‌وشنود تفکر است که در وادی تفکر آغاز می‌شود، جریان می‌یابد و به نتیجه می‌رسد و در این فضا زمینه ظهور و بروز کارکردهای واقعی اسلام بیش‌ازپیش فراهم می‌شود.

اتحاد و انسجام اسلامی زمینه هم‌گرایی را بین مسلمانان فراهم می‌کند. وحدت و هم‌گرایی ظرفیت‌های زیادی را برای تمدن‌سازی نوین اسلامی فراهم می‌کند و از طرفی تفرقه و اختلاف نیز باعث از بین رفتن فرصت‌ها و ظرفیت‌های فراوانی خواهد شد. اتحاد و انسجام اسلامی



افراطی‌گری را در جامعه از بین می‌برد و زمینه هم‌گرایی و رعایت حقوق ذاتی انسان‌ها را فراهم می‌آورد. از بین رفتن افراطی‌گری زمینه جایگزینی خودمحموری به جای حق‌محموری، نقد اشخاص به جای نقد افکار، پرخاشگری به جای منطق‌ورزی و مطلق‌اندیشی به جای آزادمنشی را فراهم می‌کند، که این شاخص‌ها در راستای تمدن‌سازی نوین اسلامی می‌توانند به ایفای نقش پردازند.

## منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۰). ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، قم، مؤسسه فاطمه الزهراء.
- نهج البلاغه (۱۳۵۹). تهران، بنیاد نهج البلاغه.
- آرکون، محمد (۱۳۸۹). اعاده اعتبار به اندیشه دینی (گفت‌وگوی هاشم صالح با محمد آرکون)، ترجمه محمد جواهرکلام، تهران، نگاه معاصر.
- ابن بابویه قمی، محمد بن علی (۱۳۷۲). عیون أخبار الرضا(ع)، ترجمه علی‌اکبر غفاری، تهران، اسلامیه، ج ۱.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). تحف العقول، قم، جامعه مدرسین.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (بی‌تا). لسان العرب، بیروت، دار صادر، ج ۲.
- امین، احمد (بی‌تا). فجر الاسلام، بیروت، دار الكتاب العربی.
- بن نبی، مالک (بی‌تا). مشكلة الافکار فی العالم الاسلامی، بیروت، دار الفكر المعاصر.
- حنفی، حسن (۱۹۹۸م). هموم الفكر و الوطن، قاهره، دار قباء للطباعة والنشر و التوزيع، ج ۲.
- الدسوقی، محمد (۱۹۹۴م). منهج التقارب بین المذاهب الفقہیہ من اجل الوحدة الاسلامیہ، علی دروب التقرب بین المذاهب الاسلامیہ، لبنان، دار التقرب.
- زکریا، فؤاد (بی‌تا). التفكير العلمی، کویت، منشور ذات سلاسل.
- زمخشری، محمود بن عمر بن محمد (۱۴۰۷ق). تفسیر کشاف، بیروت، دار الكتاب العربی، ج ۳.
- سلامی، نذیر احمد (۱۳۸۸). اندیشه‌های اسلامی در سخنان ابوالاعلی مودودی، تهران، احسان.
- سمندر، عبدالله (۱۳۶۰). گزیده عروة الوثقی، ترجمه عبدالله سمندر، تهران، مولی.
- شعیری، محمد بن محمد (بی‌تا). جامع الاخبار، نجف، مطبعة حیدریه.
- صاحبی، محمدجواد (۱۳۶۷). اندیشه اصلاحی در نهضت‌های اسلامی، تهران، کیهان.
- طباطبایی، سیدمحمد حسین (۱۴۱۷ق). المیزان، قم، دار الفكر، ج ۳ و ۱۴.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۳۷۱). الإحتجاج علی أهل اللجاج، تهران، مرتضوی، ج ۱.



- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). امالی، قم، دار الثقافة.
- فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۱۲ق). محجة البیضاء، بیروت، مکتب صدوق.
- قاسم الصالحی، احسان (۱۹۹۸م). نظرة عامة عن حياة بديع الزمان سعيد نوری، اردن، المعهد العالمي للفکر الاسلامی.
- قزوینی، ملاخلیل (۱۳۸۷). الشافی فی شرح الکافی، قم، دار الحدیث، ج ۱.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ج ۱.
- مجتهدی، کریم (۱۳۶۳). سید جمال الدین اسدآبادی و تفکر جدید، تهران، تاریخ ایران.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، تهران، صدرا.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۲). مجموعه آثار، تهران، صدرا، ج ۲۴.
- معلوف، لوئیس (۱۳۷۴). المنجد، ترجمه محمد بندریگی، تهران، ایران، ج ۱.
- معین، محمد (۱۳۶۳). فرهنگ فارسی، تهران، سپهر، ج ۱.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۲ق). تفسیر نمونه، قم، علی بن ابی طالب، ج ۱.
- منصورنژاد، محمد (۱۳۸۷). رویکردی دینی به مسئله وحدت و هم‌گرایی، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۹۰). صحیفه امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، مجموعه نرم‌افزاری، ج ۵ و ۲۰.
- واثقی، صدر (۱۳۵۵). سید جمال الدین حسینی؛ پایه‌گذار نهضت‌های اسلامی، تهران، پیام.
- وصفی، محمدرضا (۱۳۸۷). نومعتزلیان، تهران، احسان.
- ولد، مری (۱۳۸۹). اسلام در ترکیه مدرن (زندگی‌نامه یک روشن‌فکر: بديع الزمان سعيد نوری)، ترجمه فرزاد صیفی‌کاران، تهران، احسان.
- «گفتمان الگو»، دوماهنامه الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، ص ۱۴۷-۱۴۸.